



آثار تربیتی حکم حجاب و ارتباط آن با آزادی زن

سکینه احمدی*

راضیه ناطقی**

چکیده

یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسئله حجاب است. حکم شرعی حجاب و عفاف در معنای رعایت پوشش ظاهر و کنترل و پاسداشت درون انسان از گناه و حرام در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. در جوامع معاصر از عربیانی و بی‌حیایی به پیشرفت و توسعه تعبیر شده و هویت انسانی به هویت بدنی مبدل شده است. پوشش حجاب به عنوان امری فطری، عمری به قدمت وجود انسان دارد. روش تحقیق این پژوهش، تحلیلی، توصیفی کتابخانه‌ای است. این پژوهش با هدف مقایسه تربیتی حجاب و بدحجاب و بی‌حجاب و ارزش حجاب نزد زن مسلمان که زن مسلمان آزاد رها است نه دربند و اسارت است، انجام شده است. زیرا زن باحجاب، با اختیار خودش می‌تواند نگذارد که مردان از زیبایی‌هایی که در اختیارش قرار گرفته است استفاده کند و با حجاب مانع دیدن هر استفاده جویی می‌شود و نمی‌گذارد آزادی‌اش سلب شود. اگر آزادی به معنای آزادی در انتخاب است و اگر انتخاب وقتی معنا می‌دهد که انسان اسیر امیال و هوس‌های خود نباشد، مسلماً حجاب رابطه تنگاتنگی با آزادی انسان دارد. از آن جهت که امری است ماورای امیال و هوس‌های انسانی و آن کسی که حجاب را انتخاب کرد نشان داد که انسان آزاده‌ای است و چنین فردی تنها گرفتار امیال و هوس‌های خود نشده، بلکه گرفتار سویه‌های سیاسی که جهان استکباری در رابطه باحجاب پیش آورده است نگشته است.

کلید واژه‌ها: حجاب، آزادی، تربیت، فقه، آثار تربیتی، فقه.

* دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان/
sakinaahmady1377@gmail.com

** دانش‌پژوه دکتری فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان/
Raziye_Nateghi@miu.ac.ir



حجاب به معنای پوشانیدن بدن زن در برابر نامحرم، از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان دیگر از جمله آیین زردتشت، یهود و مسیحیت نیز این حکم با تفاوت هایی وجود دارد. یکی از نیازهای حقیقی و مسلم در زمینه های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی مسئله حجاب و عفاف است.

حیا و پوشش مناسب، مخصوص یک جنس نیست، بلکه هر انسان با اصالتی مطابق به فرهنگ و آیین خود پوشش مناسبی برای خود انتخاب می کند. هر زن و مردی در هر جایی از این کره خاکی تفاوت هایی در پوشش دارند چون نیازها و ویژگی های شان با هم تفاوت دارد. مشهور است که مردها با چشم عاشق می شوند، و زن ها با گوش یعنی مردها به ظاهر طرف مقابل اهمیت زیادی می دهند و زن ها با هم زبانی و نوازش ها و حرف های احساساتی. و این امر حجاب را نمی توان حکم کرد که آزادی زن را سلب می کند بلکه می توان گفت زن با اختیار خودش از خود حفاظت می کند و نمی گذارد هر هوس رانی از زیبایی هایش استفاده سوء کند و این یعنی آزادی واقعی.

در این پژوهش کوشش کردیم به این سؤالات پاسخ دهیم: حجاب چیست؟ نظر قرآن کریم درباره پوشش چیست؟ آثار تربیتی حکم حجاب چیست؟

ارتباط حجاب با آزادی چیست؟ ارتباط حجاب با آزادی زن چیست؟

در منابع فقهی بحث حجاب و پوشش زن در کتاب های «صلاة» (بحث ستر در نماز) و «نکاح» (بحث جواز نگاه کردن مرد به زنی که از خواستگاری می شود) ارائه شده است.

همچنین کتاب ها و مقالاتی هم مانند کتاب مسئله حجاب، شهید مطهری و کتاب فلسفه نماز، شاهین فرهنگ به صورت مستقل نگارش یافته است.

با وجود پژوهش های زیادی که در زمینه حکم حجاب و آزادی زن انجام گرفته است، اما پژوهش در این زمینه، با توجه به اهمیت بحث حجاب و پوشش زن مسلمان و نیز وجود

شبهات متعدد جامعه، بدون منفعت نیست، علاوه بر اینکه بنده تلاش کردم خلاصه ای از مطالب سایرین را نیز ارائه کنم.

۱. مفهوم حجاب

حجاب را از دو بعد لغوی و اصلاحی می توان تعریف کرد؛ در ساده ترین تعریف حجاب به معنای پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است.

چنانکه واجب بودن حجاب برای زنان از ضروریات دین مبین اسلام است. واجب بودن حجاب از نظر قرآن، گفتار پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) نیز به حکم عقل و اجماع رأی فقها و علمای اسلام امری ثابت است. در قرآن، حدود چهار آیه به واجب بودن حجاب دلالت دارد، اما در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن، بیش از ده آیه در قرآن وجود دارد.

چهار آیه ای که بر وجوب حجاب برای زنان دلالت دارد عبارت اند از آیه ۳۰ سوره نور و آیات ۵۹، ۳۳ و ۲۳ سوره احزاب که به هر کدام اشاره می کنیم.

۱. آیه ۳۰ سوره نور:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (نور: ۳۰)

ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران شان و سایر افراد محرم شان.

در این آیه به پنج موضوع اشاره شده است:

۱. زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرم فرو خوابانند.



۲. زنان باید دامن خود را از هر نوع عامل بی‌عفتی حفظ نمایند.

۳. زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری طبیعی است، پنهان سازند.

۴. زنان باید روسری‌های خود را بر گردن و سینه بیفکنند.

ابن عباس در معنی این جمله می‌گوید: «یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند».

۵. زنان باید زینت خود را جز برای افراد محرم آشکار نسازند.

۲. آیه ۵۹ سوره احزاب:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا کرده‌اند توبه کنند). خداوند همواره آمرزنده مهربان است.

این آیه علاوه بر تصریح حجاب، به یکی از فلسفه‌های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحم‌هاست اشاره نموده است.

۳. آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا. وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب:

۳۲-۳۳)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید (و در خانه‌های خود بمانید) و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید. «

۲. مفهوم آزادی

۱. آزادی از دیدگاه غربی:

در غرب آزادی این گونه تعریف می‌شود که انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و باید آزاد باشند، اما این آزادی نباید مزاحم آزادی دیگران شود. کاریت آزادی را این گونه تعریف می‌کند: «آزادی عبارت است از قدرت یا اختیار انجام آنچه که کسی خواسته باشد فارغ از مداخله دیگران انجام بدهد». (کوئینستین، ۱۳۷۵)

منتسکیو در تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی یعنی اینکه فرد در آنچه که قانون منع نکرده، مختار باشد و از هیچ چیز ممنوع نباشد، مگر به حکم قانون و بهترین قانون این است که مردم را به حد اعلای آزادی برساند».

۲. آزادی از دیدگاه مارکسیسم:

هگل از اندیشمندانی است که می‌گویند برخی از نظریه‌های مارکسیستی، از اندیشه‌های وی گرفته شده است. وی درباره آزادی می‌گوید: «آزادی یعنی اطاعت از دولت؛ من با اطاعت از دولت خودم، به واقع همان کاری را می‌کنم که در حقیقت می‌خواسته‌ام بکنم». (کوئینستین، پیشین: ۲۶۵)

مارکس ضمن اینکه معتقد است که جوع بر اساس اصل دیالکتیک به سمت بی‌طبقه شدن و در نهایت به کمونیزم غیر دولتی می‌شود، اما تأکید بر عمل دارد و می‌گوید: «باید



دست به عمل زد و مفهوم آزادی این است که با سیر جمعی تاریخ، همگام شویم، یعنی به میان توده مردم بیاییم و اقدام به جنبش و انقلاب کنیم». (ملکوتیان، پیشین: ۴۸)

۳.۲. آزادی از دیدگاه شهید مطهری:

آزادی از جمله مفاهیمی است که استاد مطهری درباره آن، قلمفرسایی کرده است. استاد مطهری ضمن اینکه معتقد به دو نوع آزادی اجتماعی و معنوی است، اما برای انسان هم قائل به برخی استعدادهاست که قابل رشد و ترقی هستند، لذا آزادی اجتماعی را نبودن هیچ مانعی در جهت جلوگیری از رشد و تکامل انسان در اجتماع می‌داند؛ یعنی انسان از ناحیه سایر افراد، آزادی داشته باشد و کسی مانع از فعالیت فکری، جسمی و... فرد نباشد. (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵)

استاد مطهری به نوعی دیگر از آزادی معتقد است که آن، آزادی معنوی است. استاد مطهری بر این عقیده است که انسان در وجودش از صفات متضادی برخوردار است؛ خشم و غضب، مهر و محبت، فطرت، عقل و... آزادی معنوی یعنی اینکه انسان از صفات پست حیوانی و صفاتی که انسان را به سوی پستی می‌کشد آزاد باشد. استاد مطهری م گوید انسان اگر بخواهد آزادی معنوی داشته باشد، باید از صفات پست حیوانی خود را رهایی دهد.

«آزادی معنوی به خلاف آزادی اجتماعی، آزادی انسان از خود است (آزادی معنوی) یعنی نجات از خود، خودی که به سمت پلیدی‌ها می‌رود». (همان: ۳۲)

۳. هدف و فلسفه حجاب

۳.۱. تزکیه نفس:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»؛ ای رسول ما به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه ناروا بپوشند و اندامشان را حفظ کنند، که این باعث پاکیزگی جسم و جان ایشان است. (نور: ۳۰)

۳.۲. طهارت:

قرآن می‌فرماید: «و هرگاه از زنان رسول چیزی می‌طلبید از پس پرده بخواهید، که حجاب برای آن که دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است». (احزاب: ۵۳)

۳.۳. عفت و تقوا:

«و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان ایرادی نیست اگر تجملات و زینت خود را نمایان کنند و نزد نامحرمان جامه رویین خود را از تن برگیرند و اگر باز عفت و تقوای بیشتر گزینند، بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است». (نور: ۶۰)

۳.۴. پاکدامنی و امنیت:

«ای پیامبر با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که موجب می‌شود آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است». (احزاب: ۵۹)





۳.۵. پیشگیری از گناه و هوس رانی:

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و در آنچه که ورود در آن حلال و شایسته نیست، به فساد فرا می خواند». (مجلسی، ۱۰۴ / ۳۴)

۴. نظر صریح قرآن کریم درباره پوشش

پوشش و حجاب، موضوعی است که در دین اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است، اما می خواهیم بدانیم نظر صریح قرآن کریم درباره پوشش چیست و از منظر قرآن، پوشش و حجاب چه کاربردهایی برای انسان ها، اعم از مرد و زن، دارد که لزوم استفاده از آن را نشان می دهد؟

قرآن کریم برای لباس و پوشش اهدافی را تعریف می کند. هدف اول طبق آموزه های قرآن کریم، پوشاندن عورات و زشتی های بدن انسان است که در آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف به این نکته اشاره شده است: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ؛ ای فرزندان آدم، محققا ما لباسی که ستر عورات شما کند فرستادیم».

هدف دوم، زینت، زیبایی و حسن حال است که در ادامه همان آیه می فرماید: «وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكْ خَيْرٌ؛ جامه هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است.» در تفسیر نوشته شده که کلمه «ریشا» پری بوده که به انتهای تیر می بستند و به سرعت سیر تیر کمک می کرد. مفسرین معتقدند که کلمه «ریشا» وسیله ای است که انسان از طریق آن به بلندی و پیشرفت می رسد و به ترقی معنوی و روحانی می رسد که به عنوان یکی از کارکردهای پوشش در نظر گرفته شده است.

هدف دیگر حجاب و پوشش طبق آموزه های قرآن کریم، حفظ و نگهداری از گرما و سرما است که هم در آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف به این نکته اشاره شده و هم در آیه ۸۱ سوره مبارکه

نحل می فرماید که پوشش انسان را در گرما و سرما نگهداری می کند: «وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ؛ و برای شما لباس هایی قرار داد که شما را از گرما (و سرما) نگه می دارد».

هدف چهارمی که قرآن کریم در خصوص اهمیت حفظ حجاب بیان می فرماید، محافظت بدن از صدمات جنگ، بلاها، سختی ها و خطرات است که در آیه ۸۱ سوره مبارکه نحل به آن اشاره می فرماید که: «وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بِأَسْكُمْ؛ و لباس هایی که شما را از آسیب یکدیگر نگه می دارد (مانند البسه جنگی، حفاظت هوایی و دریایی)».

همچنین در آیه ۸۰ سوره مبارکه انبیاء می فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ؛ و ما به داود صنعت زره ساختن برای شما آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد».

این چهار هدفی است که قرآن کریم برای پوشش تعریف می کند.

البته قرآن کریم در چهار موضوع در مورد پوشش با کیفیت خاص در مورد فرزندان حضرت آدم علیه السلام اشاره می کند.

۵. اشاره مستقیم قرآن به حجاب

به کارکردهای حجاب از منظر قرآن کریم اشاره کردید. در این میان، مقصود از حجاب و پوششی که در قرآن کریم عنوان شده، چیست؟ و آیا در قرآن کریم به طور صریح و مستقیم به حجاب اشاره شده است؟

بله؛ در سوره مبارکه نور و احزاب به طور کامل به اصل موضوع حجاب و عفاف اشاره شده است. از جمله در سوره مبارکه نور آیات ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۳ و ۲۵ به موضوع عفاف و حجاب اشاره دارد. همچنین آیات ۶ تا ۹، آیات ۱۱ تا ۱۸، ۱۹ و ۲۱ سوره مبارکه احزاب احکام حجاب و پوشش را عنوان می فرماید. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه نور به رفتار عفیفانه و آیات ۳۰ و ۳۱ همین سوره حجاب را به عنوان روسری یا چادر معرفی می کند.



در آیات ۳۲ دستور فراهم کردن امکان ازدواج افراد را به منظور زمینه‌سازی برای عقیف ماندن آن‌ها صادر کرده، آیه ۳۳ دستور عفاف و حفظ از نامحرم را عنوان می‌فرماید، در همین آیات تحریم وادار کردن کنیزان به خودفروشی را مطرح کرده تا آن‌ها نیز عقیف مانده و جامعه با حیا و آزر در امان بماند.

در آیه ۵۹ دستور ممنوعیت کودکان و افراد برای ورود به حریم دیگران عنوان شده و در آیه ۶۰ نیز جواز رفع حجاب برای زنان مسن را بیان می‌کند. در سوره مبارکه احزاب نیز دستورهای عفاف و حجاب به شیوه حیا، معاشرت صحیح و نقش زنان در جامعه به دقت و ظرافت بیان شده است.

۶. آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب

آثاری که از حجاب به‌جا می‌ماند، ابتدا در روح و روان فرد پدیدار می‌شود، زیرا وقتی فردی با آزادی و آزادگی برای خود پوششی انتخاب می‌کند، حتماً در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند. این همان حفظ ارزش‌های یک فرد مسلمان است.

در جامعه‌ای که افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده، محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند. اکنون آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب را بررسی می‌کنیم.

۶. ۱. حفظ شخصیت زن

شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هر چه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست. تنها راه بالا بردن شخصیت زن را حجاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانوادگی او قوی می‌شود. مردها، ناچار می‌شوند به زندگی

خانوادگی خود، ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند. علو شخصیت زن در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. بی حجاب در بُعد همسری و مادری، شکست خورده و در بُعد فعالیت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه‌ناخواه سقوط کرده است. (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۵۵-۵۲)

اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۹)

به طور کلی، اشیایی که در همه جا یافت می‌شوند و دسترسی به آنها به آسانی صورت می‌گیرد، ارزش کمتری دارند. از سویی، بشر همواره اشیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شیوه‌ای خاص از آن مراقبت می‌نماید. اسلام که زن را گوهر گرانبهای هستی و صاحب شخصیت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف، بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیت معرفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌نمایند، در حقیقت، زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی، منزلت اجتماعی مناسب خویش را به دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است.

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ». (نحل: ۵۸)

در چنین جامعه‌ای، بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد. (محمدی‌آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵)

دکتر گوستاو لوبون، مورخ معروف فرانسوی می‌گوید:



این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زنان بسیار کوشیده است و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده است و روی هم رفته زنان مشرق‌زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل می‌داند، بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می‌کند: مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا الْكَرِيمُ وَ مَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمُ: هرگز زنان را گرامی نمی‌دارند، مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی‌کنند، مگر لئیمان بی‌ارزش. (پاینده، ۱۳۷۳: ۳۱۸)

بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موقّیّت خویش را در جامعه تحکیم کرده، شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر! به همسران و دختران و همه زنان مسلمان بگوی که روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا [به عفاف] شناخته شوند و مورد آزار او باشند قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». (احزاب: ۵۹)

ویلیام جیمز، روانشناس معروف، در تأیید این مطلب چنین می‌گوید: «زنان دریافتند که دست‌ودل بازی، مایه طعن و تحقیر است، و این امر را به دختران خود یاد دادند». (محمّدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵)

۲.۶. سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق، نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید.

طبق تحقیقاتی که در ایالات متّحده به عمل آمده، روی هم‌رفته نود درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم، عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر می‌باشند. از تمام بیمارستان‌های ایالات متّحده، ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است، در حالی‌که

معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند. (همان: ۴۵)

سالانه ۳۰ تا ۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متحده ناشی می‌شود، از مجموع کلیهٔ امراض مختلف غیر از سیل، بیشتر است. (همان)

دکتر آمبروس لینگ که از مقامات صلاحیت‌دار دربارهٔ بیماری‌های آمیزی است، اعلام کرد که از سال ۱۹۵۷ به بعد، بیماری‌های آمیزی در بین جوانان کم‌سال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در میان پسران ۱۵ تا ۱۹ سال، ۶۷/۳ و مقدار افزایش در میان دختران که همین سن را دارند، ۶۵/۴ درصد شده است. (همان)

بنابراین، یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام رضا(ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند». (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۴/۶۷)

۳.۶. استحکام خانواده

شکی نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس، هر چیزی که باعث سُستی رابطه زوجین و دل‌سردی آنان گردد، زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی، همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیر مشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی،



یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچکترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد.

خداوند در سوره نور می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...»؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...» (نور: ۳۱)

بنابراین، زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند، چرا که با حجاب خود اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی خویش جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند، اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند. (مطهری، ۱۳۷۳: ۸۹)

۴.۶. آرامش و امنیت

زن موجودی گرامی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد. (قائمی، ۱۳۷۳: ۳۹۰)

حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی او دارد، زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم، احساس امنیت می‌کند و هیچ کس جرئت تعرض به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ، احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیشامدهای احتمالی، از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز نگرهبان زن از

نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصوئیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیّت و حفاظت آن بالاتر می‌رود. (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «پوشیده و محفوظ داشتن زن، مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹: ح ۵۸۲۰)

۵.۶. آزادی زن

اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان باحجاب در فعالیت‌ها و رفت‌وآمدهای خود آزادترند، زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند. بنابراین، کمتر بر آنها ایجاد مزاحمت می‌کنند.

«زن باحجاب مظهر عفاف شناخته شده است و از این روی، در خانه و خارج از آن مزاحم ندارد و آزادانه دنبال کارها و مسئولیتهای خویش است». (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۰۱-۱۰۰)

قرآن کریم در دو مورد به این مطلب اشاره فرموده است؛ یکی اینکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلابابها [= روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده، توبه کنند)؛ خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (احزاب: ۵۹)

أمّ سلمه، همسر پیامبر گرامی اسلام، می‌گوید: «هنگامی که این آیه نازل شد، زنان انصار موقع خروج از خانه، چنان خود را در پوشش سیاه می‌پوشیدند که گویا روی سر آنها کلاغ





نشسته بود و چون کیسه‌ای سیاه به خود پوشانده بودند که سرپایشان گرفته بود». (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۶/۵۱۷)

بنابراین، بی‌حجابی و بدحجابی، برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند، اما هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (احزاب: ۳۳)

۶. سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هرچه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند، تقویت گردد. هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفساد اخلاقی و اجتماعی کاسته می‌شود. سلامت اخلاق جامعه از اهداف عالی اسلام است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم». (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵)

حجاب زن، به نصّ قرآن کریم، عفاف اوست و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.

زن با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پابرجا می‌سازد و بیهوده افراد را تحریک نمی‌کند و هوس‌ها را برنمی‌انگیزد و مردها را به مفسده نمی‌کشاند. زن با پذیرش حجاب اسلامی، بزرگترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها و جوان‌ها و بالأخره، جامعه می‌کند، زیرا اخلاق، پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌بخشد. زنانی که جسم خود را پربهتر از آن

می‌دانند که اجازه دهند هر چشمی از آن تمتّع گیرد، هر هوسی بدان گرایش یابد، بر مسند والای فضیلت نشستہ‌اند. کار این گونه زنان، پیامبرگونه است، زیرا بعثت پیامبران به منظور تکمیل و تتمیم اخلاق است.

اسلام از بی‌حجابی و بدحجابی بیزار و متنفر است، زیرا این‌ها هستند که با متزلزل کردن اخلاق و فضیلت، اسلام را در بین مردم ضعیف و لگدمال می‌کنند. زنان باحجاب، خدمتگذار واقعی دین و اخلاق، و زنان بی‌حجاب و بدحجاب، عامل براندازی و بنیان‌کنی دین و اخلاق هستند. (همان: ۵۲)

بنابراین، شرط اصلی سلامت اخلاقی جامعه، پرهیز از سقوط در پرتگاه شهوت است. امام رضا علیه السلام وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفساد اخلاقی معرفی می‌فرماید. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۱۱/۲۰)

۷. رابطه حجاب با اصل آزادی

برخی بر این گمان هستند که حجاب موجب سلب حق آزادی که حق طبیعی بشر است می‌شود و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می‌رود. آنها می‌گویند: احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از موارد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. هر انسانی چه زن و چه مرد می‌تواند آزاد باشد، حال تابع هر مذهبی باشد.

اجبار زنان به داشتن حجاب و محدود ساختن آنان، بی‌اعتنایی به حق آزادی ایشان و اهانت به حیثیت انسانی آن و در واقع ظلم فاحش به اوست! زن را اسیر و زندانی کردن به هیچ وجه نباید واقع شود و این ظلم است و باید از میان برود.

در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه است که بر عهده زن نهاده شده است که در برخورد با نامحرم باید کیفیت خاصی از پوشیدن توسط زن مراعات شود. این وظیفه از جانب مرد به زن تحمیل نمی‌شود؛ همچنین با حیثیت



و کرامت زن منافاتی ندارد؛ نیز تجاوز به حقوق او نیست و با حقوق طبیعی که خدا برای زن مقرر کرده، در تضاد نمی باشد.

اگر رعایت پاره‌ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که روش خاصی را در پیش بگیرند و طوری عمل کنند که آرامش دیگران را بر هم زنند و تعادل اخلاقی را از بین ببرند، چنین مطلبی زندانی کردن یا بردگی نیست و منافی حیثیت زن و نفی آزادی وی نمی باشد. در کشورهای متمدن جهان نیز یک سری محدودیت‌ها وجود دارد مثلاً اگر مردی پا برهنه یا با لباس خواب از خانه خارج شود و حتی اگر با پیژامه بیرون آید، پلیس او را منع کرده و به عنوان عمل خلاف حیثیت اجتماعی وی را جلب و زندانی می کند.

پس هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد را ملزم می کند در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلاً با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی است و نه زندانی کردن و نه ضد حیثیت انسانی است، چنان که ظلم و ضد عقل نیست.

پوشیده بودن زن در حدودی که اسلام معین کرده، نه تنها موجب کاهش حیثیت اجتماعی او نیست بلکه موجب کرامت و احترام بیشتر زن می گردد زیرا او را از تعرض افراد فاقد اخلاق مصون نگه می دارد.

شرافت زن اقتضا می کند هنگامی که از خانه خارج می شود، متین و باوقار راه برود، نیز پوشش او به گونه ای باشد که موجب تحریک و تهییج دیگران نشود و عملاً مرد را به انحراف دعوت نکند. نباید زن به سخن گفتنش آهنگ خاصی بدهد که بیمار دلان در او طمع کنند.

نتیجه:

حجاب به معنای پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است واجب بودن حجاب از نظر قرآن گفتار پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام نیز به حکم عقل و اجماع رای فقها و علمای اسلام امر ثابت است و هدف حجاب تذکیه نفس، عفت و تقوا و پاکدامنی پیشگیری از گناه

و هوسرانی. نظر قرآن در مورد حجاب هدف اول پوشاندن عوارت و زشتی‌های بدن انسان است.

هدف دوم زینت و زیبایی‌ها و حسن و جمال است.

هدف سوم حفظ و نگهداری از گرما و سرما است.

هدف چهار محافظت بدن از صدمات جنگ بلاها سختی‌ها و خطرات است. آثار تربیتی حجاب در روح و روان انسان تأثیر دارد زمانی که انسان به خواست خودش به آزادی و آزاد پوشش انتخاب می‌کند حتماً در خود احساس آرامش می‌کند.

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد. حجاب موجب استحکام خانواده می‌گردد و زمانی که حجاب را رعایت کنیم هم آرامش داریم و هم امنیت.

ارزش زن فراتر از آن است که در معرض دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد. آزادی زن، اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند زور و دستور از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند.

زنان با حجاب در فعالیت‌ها و رفت و آمدهای خود آزادترند، زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که این‌ها طعمه و ملعبه آن نمی‌شوند بنابراین کمتر سعی می‌کنند که مزاحم آن‌ها شوند.

رابطه حجاب و آزادی قطعاً آزادی دارای حد و مرزی است آزادی مقدس است که موجب ضرر و زیان و سلب آزادی و آسایش دیگران نشود

طرفداران برهنگی و کشف حجاب، برای عدم پذیرش حجاب، دست به توجیه و استدلال می‌زنند و اشکالاتی مطرح کرده‌اند که موجب تردیدهایی گشته است که به طرح چند نمونه می‌پردازیم:

۱. برخی می‌گویند انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفریده شده و آزادی، مفهوم مقدسی است که همگان طرفدار آنند، ولی حجاب و پوشش اسلامی، دست و پا گیر بوده و زنان را منزوی



و پرده نشین کرده، در نتیجه از مواهب آزادی محروم بوده اند. می گویند: خداوند در نهاد بشر غرایز بسیاری از جمله «غریزه جنسی» نهاده است، که نباید آنها را سرکوب کرد، بلکه باید با کمال آزادی، این غرایز را اشباع نمود و گر نه موجب عقده و بیماری های روانی در افراد می شود.

ولی روشن است هر چیزی دارای حدی است. آیا انسان آزاد است که غذای مسموم بخورد یا نصف شب طبل بزند و همسایه ها را بیدار نماید؟.

قطعا آزادی دارای حد و مرز است. آزادی ای مقدس است که موجب ضرر و زیان و سلب آزادی و آسایش دیگران نشود.

۲. می گویند: زنان نیمی از جامعه هستند و باید دوش به دوش مردان به کارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... پردازند. صحیح نیست که جامعه را از نیمی از نیروی انسانی خود محروم کرده و آنها را به انزوا کشید. حجاب عامل مهمی برای به انزوا کشیدن زنانی است که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند. حجاب دست و پا گیر بوده و زنان را از فعالیت های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... باز می دارد.

درست است که زنان نیمی از اعضای فعال جامعه هستند و باید در تمام صحنه ها تلاش داشته باشند، ولی پوشش اسلامی (حجاب) در حدی که آنان را از تلاش در صحنه های کار و فعالیت باز دارد، دست و پا گیر نیست، زیرا حجاب به معنی پرده نشینی نیست بلکه به معنی پوشش معقول است.

زن می تواند با لباس های بلند و پوشش کامل اسلامی به تلاش برای زندگی بهتر پردازد و در مواردی که چادر لباس برتر و پوشش عالی تر است در صحنه ظاهر شود.

۳. می گویند: حجاب و پوشش زن، موجب فاصله انداختن میان زن و مرد شده، مردان را به زنان حریص تر می کند و آتش تمایلات آنها را شعله ورتر می کند چرا که «الانسانُ حریصٌ علی ما مُنِعَ؛ انسان نسبت به چیزی که از آن ممنوع شده، حریص است».

این اشکال، نوعی مغالطه است، چون پوشش در اسلام به معنی محرومیت زن و مرد از اشباع غریزه از راه صحیح نیست تا موجب عطش بیشتر و ناهنجاری گردد. اگر آنچه که اسلام در مورد آسان گیری در ازدواج فرموده، اجرا شود، غریزه از راه صحیح اشباع شده و اشکالی پدید نمی آید.

منابع و مأخذ:

۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۸)، بحا رالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، نهج الفصاحه، قم: انتشارات کانون جاوید.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۹)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات امام عصر علیه السلام.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. شکوری، محمد (۱۳۹۰)، «حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب»، مجله فرهنگ دانشگاه علم و صنعت، ش ۹.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۷. عظیمیان، مریم و سعید بهشتی (۱۳۸۸)، «بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن». فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۸، ص ۷۵-۱۰۳.
۸. قائمی، علی (۱۳۷۳)، حیات زن در اندیشه اسلامی. تهران: انتشارات امیری.
۹. محمدی آشنایی، علی (۱۳۷۰)، مسئله حجاب، قم: ارم.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحديث.



۱۱. مصطفوی، سید جواد(۱۳۶۹)، حجاب و آزادی، مجموعه سخنرانی کنفرانس زن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. مطهری، مرتضی(۱۳۶۷)، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی(۱۳۷۳)، نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. آنتونی کوئینستین(۱۳۷۵)، فلسفه سیاسی، ترجمه مرتضی اسدی، تهران: هدی.